

نفر اول: بسیار تشکر کتی ما شیشترین اول میپرسیدم شما مثلا ده کجا کابل تولد شدین کدام مکتب رفتین از اول؟

نفر دوم: مه اصلا ده خودی مرکز یعنی کابل تولد شدیم شور بازار بنام جای است که تقریبا اکثریت مردم سیک هندو اونجه زندگی داشتن حالی خو مردم تیت پرک شدت یعنی کسای طرف کارته پروان شهرنو تیمنی و ایسونا او سونا رفتن مردم از درباره سیک هندو میگفت گرچه مسلمانا هم اونجه زندگی داشتن همرای ما همسایه بودن مه اول ده همونجه ده مکتب ابتداییه تدریس عظیم درس خواندم باز پسان لیسسه حبیبه تحصیل را کدم.

نفر اول: باز همو وقت که خورد بودی گفتی که مسلمانا بودن ده یک محله بودن... بلی بلی یک محله بودیم... روابط بین سیک هندو و مسلمان مثلا او وقت چطور بود؟

نفر دوم: اگر بگویم که روابط در بین اقوام سیک هندو و مسلمانای که اصیل یعنی کابلی بودن اصیل کابلی بودن یعنی هدف مه ای اس که مسکون کابل بودن چرا که ما از طفلیت یکجا زندگی کدیم همسایه داشتیم و همسایه داشتیم دست راست و دست چپ کوچه طبعاً وقتا که ما در مکتب میرفتیم مثلی هم صنفی بودیم پسان در لیسسه حبیبیه رفتیم اونجه مردما بسیار خوب تحصیل میكدن اونجه روابط شان اکثریت ایطور است که یکی اقلیت است یکی اکثریت که در سالای ما زندگی میگردیم بسیار روابط نیک داشتیم که حصه نداشتیم حتا در محافل عروسی اونا مره دعوت میكدن و ما هم مسلمانا ره دعوت میكدیم یعنی روابط بسیار حسنه داشتیم همایشان روابط به خاطر حسنه میشه که اخلاق متقابله خوب باشه و تقریبا 80 فیصد ای مردمای افغان ما بسیار خوب بودن همرای سیک و هندو بخاطریکه ما همه ما افغان هستیم یا افغان بودیم و ای یک بسیار روابط خوب داشتیم ای روابط بوده که نه تننا ما ای ره به وجود آوردیم حتا پدرکلان های ما پدر پدرکلان های ما عین اینا ای روابط ره قایم کرده بودن و ما کدام تفاوت نداشتیم و اونا هم میدانستن که ای سیک و هندو که ما هستیم اینا اصلا برادر کلان مسلمانا استن اونا ماره بنام لالا میگفتن کسایکه تحصیل کده بود دانش داشت ای ضرورت نبود که حتما هر کسی تحصیل کرده باشه لیکن دانش بسیار ضرورت بود دانش و احترام متقابله اونا ما ره لالا میگفتن لالا یعنی از زبان فارسی ایطور معنا میته که برادر کلان اونا ماره برادر کلان خطاب میگردن و احترام میداشتن و اونا اولادای سیک یا هندو استه.

نفر اول: و شما هم فکر میكدین همی دائرایکه سیک هندو و افغانستان ای سیک هندو و افغانستان از همو منطقه استن دیگه از همو کابل؟

نفر دوم: بلی ایطور بود که از مردم سیک و هندو در تمام کشور بوده در تمام هدف ما در افغانستان بودن مثلا ما شروع میکنیم از قندهار در قندهار تاریخ بسیار کهنه داریم و اونجه در سال های تاریخی است که از 5000 سال ام سابقه داره قندهار در غزنی در جلال اباد در جلال اباد حتا ننگرهار کلان منطقه است ده او لغمان میایه کجه میایه تریبیبی میایه و دیگه بعضی جاها است که حتا مه فراموش کدیم در هر جای ما درمسال داشتیم درمسال یعنی گدواره بر سیک گدواره است بر هندو مندر است هندو مندر داشتن و ما گدواره داشتیم همطور ده بغلان بود در قندوز بود و در کابل چون اکثریت ما در کابل زندگی میگردیم و در ولایت کابل یعنی که ده اطراف کابل مثلا در شیوه کی شیوه کی اصلا شیو از نام شیوچی یعنی

Lord Shiwa, گرفته شده و اونجه ما در افغانستان یک مندر بنام shiwajee در شیوه کی و او مندر همالی هم در شیوه کی موجود است.

نفر اول: باز همو زمانیکه شما که بودین همی سیک هندو در کابل مثلا در کار و بار وظیفه ای چی بود در اطراف کابل مثلا غزنی قندهار...؟

نفر دوم: ایطور بود که کس های در غزنی زندگی میکرد یا در قندهار زندگی میکرد یا بغلان یا قندوز ای همه شان همونجه کار بار شان بود یعنی تجارت... اکثریت مردم سیک هندو کار بار شان تجارت بود ایطور وظیفه چیز همی دکانداری بود و در عین زمان با وجودیکه اینا یک تاجر یا یک دکاندار بسیار خوب در همو منطقه بودن بخاطریکه تاجر خوب او شخصی است یا دکاندار خوب او شخصی است که بر به همو کار خود یعنی کار با ایمان داشته باشه به کسی ضرر نرسه حق ماله مردمه نخوره و جنس عالی ره به فروش برسانه ای یکی از خصوصیت مردم سیک بود در افغانستان و در تمام ولایت که در هر جای که بودن در همو شهر زندگی میکردن در همو شهر خانه داشتن در همو شهر اینا دوکان تجارت خانه داشتن گدام داشتن موتر داشتن.

نفر اول: بسیار جالب بود باز همی که مثلا سیک و هندو در دیگه منطقه مثلا از چاریکار بودن غزنی.. هویت شان ام مثلا میفهمم که کلگی سیک هندو بود اما بنام بسیار اهمیت میداد فکر میکردم که ما از غزنی هستیم که ما از...؟

نفر دوم: طبعا طبعا واقعا مثلی ما از یک مثال میتیم یک شخص بریتانوی یعنی British citizen اگر ایجه امروز ده لندن است تولد شده و از فامیل از لندن است میگه I am from London اگر یک شخص از اسکاتلند است میگه I am from Scotia به همی شکل میگفت ما قندهاری استیم اما هندو استیم یا سیک استیم ما غزنیچی استیم از غزنی استیم و مه شخصا خودما چون پدر و پدرکلان های کلی ما در کابل بود و ما فخر میکنیم افتخار میکنیم که مه از کابل استم افغان سیک یک سیک افغانی یعنی تولدشد مه بنام کابلی یاد میشم.

نفر اول: باز همی اکثریت سیک هندو در کارای تجارت میکندن تا جایکه مه میفهمم حالی از هندوستان میاوردن باز از دیگه جای میارودن اما در سال های مثلا بعد از داود خان فکر میکنم در نقش مثلا کلیی نامزاد کدن ده نقش دولت ام کمی گرفته بودن وظیفه ام میرفتن...؟

نفر دوم: بلی بلی ای فرموده شما بیخی مقول است و ای حقیقت داشت اولین دکتر به سویه عالی به سویه عالی یعنی Highest doctor who was very very well qualified او دکتر (باریک بال مکندر سنک) بود که پروفیسور کابل یونیورستی پروفیسور طب میدیکل پروفیسور ای جای افتخار اس برما در افغانستان چیزیکه بانک های در افغانستان بود مثلا پشتون تجارتی بانک ده افغانستان بانک و یک دو بانک دیگه بزرگترین بانک ها بود در افغانستان و کار کاری بانکی به خود تخصص کار داره هر کسی نمیتانه یک بانکر شوه بانکدار شوه ایره هندوا و سیک ها میچلانید اولین پول را مه در افغانستان سابق اگر یاد تان باشه تاریخ ره خواندین او وقت سکه بود سکه بود یعنی که کوینز Coins بود و پسان به همی شکل نوت یا شکل که پول کاغذی به وجود امد ده ای ارتباط مردم سیک و هندو بانکدار بسیار رول ام و همونا دیزاین کده بود یک نوت دیزاین کردن کار اسان نیست دیره دیزاینر و بهترین بانکر افغانستان بنام ریس (میل چند) بود که در افغانستان ریس بانک بود

و تمام کارای بانکی ره اوپیش میبرد و او به حیث یک شخص با اعتماد از افغانستان به امریکا رفت اونجه در نمایندگی بانک کار میکرد.

نفر اول: خو بسیار خوب باز همو تجارت مثلا انتقال مال اوقسم سیک هندو بیرونم میرفتن از خاطر مال کجا مثلا میرفتن؟

نفر دوم: بلی ایطور بود که اول در افغانستان اگر شما تاریخ به یادتان باشه مردم بالای اسپ گادی سفر میکردن سر خر سفر میکردن او وقتا ماشین موتر ای چیزا نبود در او زمان مردم به پاکستان الی که پاکستان به وجود آمده در سال 1947 به وجود آمده لیکن قبلا undivided India مردم میرفتن به هند مردم میرفتن به تاجکستان به ازبکستان یک کشور بسیار نزدیک بود همسایه بود مردم میرفتن ایران و تا ترکیه ام میرفتن در او زمان و بعدا زمان تغییر کرد طیاره به وجود آمد موتر به وجود آمد مردم سفرشان را اسان ساختن و میرفتن بر تجارت به مال خوده در افغانستان مثلا ما میوه خشک بسیار داشتیم و الی ام داریم پسته بادام جلغوزه ایره ما صادر میکدیم ده عین زمان پوست گوسفند و پوست گاو صادر میکدیم از کشورهای اورپا خصوصا کشورای جرمنی فرضا امریکا مثلا انگلستان و روده بسیار تجارت کلان بود که از افغانستان روده اکسپورت میشد طرفای کشورای اورپایی ایکاره میکدن و از اونجه باز مردم ماشین الات میاوردن موتر میاوردن اموال تجارتنی دیگه خورد ریزه و تکه باب چرایکه مردم هندو و سیک زیادتر اکثریتش تکه فروش بودن.

نفر اول: مردم سیک همی کار روده و پوسته میکدن یا نی؟

نفر دوم: نه مردم سیک هندو کار پوستم میکدن منتها پوست گاو نمیکدن خلاف مذهب ما بود همه صادرات چی داشت کارو پوست روده ره داشت.

نفر اول: باز همو وقت ده کابل مثلا غیر از همی اخیلات مثلا سیک هندو ده همو وقت دیگه اخیلاتم بودن به خصوص یهودیا افغانستان؟

نفر دوم: بلی یاد های ما بسیار در افغانستان بسیار فعالیت تجارتنی اونا هم داشتن اونا بسیار انسان های خوب با اعتماد و هیچ وقت مه یک یهود ندیدم دورغ گفته باشه مه یک یهود را ندیده بودم دزدی کده باشه بسیار مردم با اعتماد با ایمان در افغانستان تجارت میکدن اونا افغان بودن چون پسان زمان تغییر کده و اونا از کشور میرفتن اکثریت شان.

اینا در کدام قسمت های کابل بودن؟ در کابل اینا اکثریت شان در شهرنو بود شهرنو بنام یک سینما اس بنام سینمای زینب در همی منطقه سینما زینب اینا اکثریت شان اونجه بودن.

باز شما کدی اینا ارتباط روابط؟ بلی بلی روابط تجارتنی دوستی همه چیز داشتیم ام بسیار جالب است... بسیار ادمای یهود مردمای بسیار خوش اخلاق و مردم تجارت پیشه بودن و یعنی یک کسای بودن که از ضرر ازش نیامد تجارت اس هر کس میخواهه یک چیزه ده پیسه بالاتر بفروشه فایده کنه او چیز حق حلال است اوره هر کس همو کاره میکنه و اونا همی کاره میکنن.

نفر اول: باز همی الی ده مورد تجارت گپ زده روان استیم باز ده کابل او وقت فکر میکنم سیک هندو همی کار کلان که داشتن ده مندوی بودن؟

نفر دوم: مندوی در کابل بلی مندوی بسیار آسان در کابل ده هو قسمت مندوی در ضمن سرای شهزاده سرای هزارگل دو سرای هزار گل اس هزار گل بزرگ و سرای گل خورد اینچه به قسمی تجارت عمده فروشی یا Whole Sell اینا در افغانستان اینچه بودن مردم هندو و سیک سرای احمد شاهی اینا اونچه هندو بود سیک بود مسلمان بود و همی قسم یهودیا هم سهم داشتن همونچه و در ضمن همی پل باغ عمومی بود که مندوی میگم ای منطقه کلیش تجارت اکثریت در دست مردم سیک و هندو بود و عطاری فروشی بود یک زره بالاتر که spices they were selling spices all kind of spices اینچه مصاله فروشی بگویم اینا ایچیزا را میفروختن هم شان ام تاجر تجارت پیشه بود.

نفر اول: باز همی سیک در خوست بودن تاجیکه مه میفهمم در خوست یک قریه بود که کلا هندو و سیک اونچه بودن یا تاریخ از اینا از دیگه سیک ها فرق دارند؟

نفر دوم: مردم خوست بسیار مردم شجاع مردم پاک نفس مردم تجارت پیشه بودن منتها فرق ما از اونا از نگاه دینی نبود اونا سیک شانم ریش شانم کل میکردن مثلی شما واری موی شانم کم میکردن و هندوی شانم و اونا دو قوم بودن که بنام قوم اگر مره اجازه بتین یک کمی فکر کنم که یک قوم شان بنام قوم هاگ بود و قوم دیگه شان یادمه نیست اگر به یادم آمد مه حتما بر شما میگم او قوم هاگ سیک بود مذهب سیک پرستش میکردن و قوم دیگه که بود. هندو بود او مردم هندو بود که مندر داشتن و اونا چون در خوست بودن و در منطقه خوست مردم شان همه شان پشتو زبان استند و مثلا اونا زن طفل شان پشتو گپ میزنند امیالی هم گپ میزنند و ده او زمانم هم گپ میزدن لیکن تعلیم هندی شان یا هندو بود یا سیک بود.

نفر اول: باز شما مثلا در خانه فارسی گپ میزدین یا ام پنجابی؟

نفر دوم: مردم سیک بدون خوست یک خوست را علایده میگذاریم تمام شان اول در خانه پنجابی گپ میزنند و در عین زمانیکه مه ما مثلا در انگلستان فرضا پنجابی گپ میزنند در خانه تمام زن بچه و هر کس انگلیسی گپ میزنه در اینچه اما در افغانستان از خانه که بیرون میبرامم فارسی گپ میزنیم حتا ما در مام پدر مام او دوستا هر کس لیکن در خانه زبان پنجابی لیکن ما در عین زمان هر منطقه که درمسال بود گدواره بود از خود یک مکتب پنجابی داشت چون ما اوسکول یا مکتب فارسی در افغانستان نداشتیم مکتب های کلتوری بود بنام مثلا مکتب اسلامی بگویم تمام زبان شان یا پشتو بود یا فارسی بود در اونچه قران شریف درس میدادن تعلیمات دینی را پیش میبردن لیکن در گدواره باز ما مثلا اطفال ما در عین زمان دو مکتب پیش میبرد فرضا اگر مکتب بعد از دوازده بجه شروع میشه اونا میرفتن قبلا مکتب پنجابی و از اینچه باز مکتب افغانی میرفتن و کس هایکه صبح ده مکتب میرفتن و بعد از پیشین ده مکتب پنجابی.

نفر اول: باز در مورد خانه مثلا بگوین دکان کدین مردم همراهی کابل ارتباط دوستی داشتن درخانه زندگی سیک هندو شما چطور بود مثلا غذا چی مهم بود کدامش مهم بود؟

نفر دوم: ما مردم سیک و هندو دو نوع غذا داریم یکنوع غذای افغانی داریم که مه بر شما نام میبرم اوره ما استفاده میکردیم ما به شوق بسیار به نوق میخوریم و غذای پنجابی یا هندی بگویم چرا هر دویش بر طعلق داره و ما هر دویشه دوست داریم از غذای افغانی برتان نام بیگیرم که اشک منتو پلو چلو ای چیزا و کباب و فرضا نانایی تندوری افغانی ما میخوره مسلمان و هم سیک ما میخوریم و بعضی نانایی غذای

هندی داشتیم که دال بود سبزیجات بود گوشتم ما پخته می‌کردیم مثلا مرغ ام پخته می‌کردیم غذایی هندی ام می‌خوردیم و غذای افغانی ام.

نفر اول: و بعضی چیزای که فکر می‌کنم که مثلا چیزای هندی یک رقم افغانی ام جور می‌کردین چون مه و که شاید هم گلوگپه است هم تاثیر فرهنگ افغانستان؟

نفر دوم: نی اصلا گل گپی غذای هندوستان به افغانستان تعلق نداره ایره فقد همی مردم هندو و سیک می‌خورند و مسلمانا چون می‌خورند اگر فرضا مه دعوتش کردیم پیشرو بردیم اونا خوردن خوش شان آمدن لیکن اصلا غذای افغانی نبوده.

نفر اول: باز همی شما که طفل بودین جوان بودین گفتین که در محله کابل شور بازار کابل مسلمان بودن سیک بودن هندو هیچ مشکل نبود باز ای در کدام وقت تغییرات آمده بود که برای سیک هندو همی مشکلات زیاد پیدا شده بود؟

نفر دوم: تشکر از سوال شما اصلا ما که خورد بودیم دولت او وقت دولت محمد ظاهر شاه بود پادشاه وقت ما جوان شدیم حکومت محمد ظاهر شاه که یعنی آخرین kingdom بود حکومت شاهی بود او از بین رفت توسط بچه کاکایش که محمد داود خان نام داشت و محمد داود که ای شخص مدرن بود و می‌خواست که تمام مردم افغانستان قسمی تعلیم کنه ازادی داشته باشن که مثلی در اورپا مردم داره چی قسمی خودش شخص با وجودیکه در افغانستان در رشته نظامی تحصیل کرده بود و منحنیث وزیرم کار کرده بود وزیر مالیه ام کار کرده بود و در همو زمان ظاهر شاه ام ای به کشورای خارج چندین بار رفت روابط کلتوری داشت روابط سیاسی داشت همای یعنی که افغانستان روابط کلتوری سیاسی داشت همای کشورای دیگه و ای چون به حیث نماینده یا به حیث سفیر ام رفت خدمت کرد ای ادم بسیار یک ادم روشنفکر بود. و پنج سال حکومت پیشبرد ده ای پنج سال نظام افغانستان یک زره سطحش بالا شد از نگاه ازادی از نگاه ازادی بیان چراییکه شاهی از بین رفت در زمان شاهی شما نمیتوانیستین در مقابل دولت ایستاد Republic او وقت هر کسی ازادی بیان داشت و ازادی بیان خوده اظهار کرده میتانیست گرچه ما مردم سیک هندو و ایطور خلاف دولت نبودین ونیستیم و الی ام نیستیم و هر کس که حکومت در دست گرفت ما گفتیم تابع بر شما استیم بخاطریکه ما اکنون ما اقلیت استیم ما در افغانستان 0.12 پرنست ام نبودیم و ما چون اکثریت نیستیم و اگر نیستیم در اکثریت ما هر چی که بگویم هر چی بیان بتیم او بی فایده است و مه ای چیزا را میفهمیدم ما میفهمیدیم و ما هیچ کدام چیزی خلاف دولت خلاف قانون نمی‌کردیم در زمان داود داود نیشث پنج سال حکومت خوده پوره کرد تا وقتیکه فکر می‌کنم که تا ماه 7 ثور روز اخرش بود و به قتل رسید از طرف حکومت کمونیستی که در راسش اولین رییس جمهور کمونیستی بود ترکی صاحب و معاونش ام چی بود در او زمان معاونش اگر شما یاد شما باشه از یادم رفته از یاد مام رفته آه خوب تا اوایل حکومت کمونیستی ما مردم ازاد بودیم کدام مشکل نداشتیم حتا مردم روشنفکر تر شدن از قبل کرده حتا از داود گرفته تا ای چی ظاهر شاه گرفته تا داود و از داود گرفته تا زمان حکومت ترکی شد. معذرت می‌خایم در دورانی اوایل دوران کمونیستی ترکی اوضاع افغانستان خوب مردم هندو سیک کدام پرامبلم نداشتن اما مسلمان پرامبلم داشت ده او زمان اونا فکر کردن درای زمان کمونیستی ای حکومت حفیظ الله امین وقت تا ترکی بود مثلا ترکی حفیظ الله امین از بین برد نی حفیظ الله امین ترکی ره از بین برد و حکومت خوده به دست گرفت او یک قسم حکومت پیش برد مثلی که در جرمنی نازی در راس همی رییش چی بود نامش از یادن رفت هلتر مثلی هلتر پیش برد و بسیار

ترکی صاحب در او زمان مردم یک زره هم‌تور اعصاب شان نارام نبود مردم مسلمان طرف پاکستان و ایران حرکت کدن اونا فکر کردن ای یا چون کمونیست اند اسلا و کمونیزم هیچ جور نمایه کمونیزم ازادی عام تام میته اسلام ازادی پذیر نیست. اما به مردم هندو و سیک کدام پرامبلم نبود ازادی عام تام داشتن چرایکه اینها خلاف او دولت نبودن اما مسلمان خلاف دولت شد چرایکه دولت ره میگفت ای یا کافر استن شماهدف کافر ره میفهمید و تا که حفیظ الله امین از بین رفت ریس جمهور دیگه به کار آمد ببرک کارمل ببرک کارمل یک بسیار یک سیاست خوب داشت او مردمه میخواست ارام بسازه اشتباهات که حفیظ الله امین کرده بود او میخواست اصلاح کنه چون وقت که اگر یک شیرره زخمی بسازین او سر شما حمله میکنه هر وقت که خواسته باشه به همی شکل مجاهدین به وجود آمد که مجاهدین را کی تریبه کرد شما بهتر میفهمین طرف غرب از طرفای کشورای عرب سعودی یا کمک شده باد از او همی روابط در افغانستان خراب شد مردم اصیل افغانستان اهسته اهسته کسی هایکه اصیل کابلی بوده اصیل قندهاری بوده اصیل غزنی بوده یک چندتا مه به شما نام گرفتم هم‌تور تمام کشور 28 و 27 ولایت مردم گریز کردن از افغانستان چرایکه او وقت همی اوضاع افغانستان بسیار خراب شد مردم مسلمان ایطور فکر میکرد که همی اسلام بیخی از بین رفت در افغانستان اونا بخاطریکه همو اسلام اسلامیت خوده بردست داشته باشن از وطن فرار کردن به پاکستان و ایران لیکن دراو وقت بود که پاکستان و ایران سری از اینا تجارت کرد پول میگرفت از طرف غرب از طرف عرب و یک پول اندک ناچیزی ناچیز بری از اینا میداد بنام ازایکه ای یا مهاجر استن لیکن تا وقت داکتر نجیب بر مردم افغانستان در افغانستان ایقه مشکلات نبود و از روزیکه داکتر نجیب کشته شد و حکومت داکتر نجیب از بین رفت و طالبان آمد ای وقت شد که در مردمی مردم افغانستان ام بسیار خسته شدن و ترس یک ترس به وجود آمد مردم ترسیدن و اینجه بود مردم هندو و سیک بسیار ترسیدن چرایکه کشور اسلامی بود لیکن به ضدی هندو یا سیک کسی نبود در افغانستان مه ایطور کسی را ندیدم ها یک 10 فیصد 15 فیصد 20 فیصد مردمای بود که جاهل بودن تحصیل یافته بودن مردمی سیک ره بد میدیدن لیکن 80 فیصد مردم حمایت میکردن از سیک ما در اردو هم سهم داشتیم مثلا شما میفهمین که در افغانستان هر شخص افغان باید دو سال عسکری میکرد و کسیکه زیاد تحصیل عالی کرده باشه او یک سال عسکری میکرد. ما مردم سیک و هندو چون به حیث افغان ما در افغانستان در اردو و در پولیس یعنی ثارندوی ما سهم داشتیم اشتراک میکردیم حتا ما از خود دگروال هم داشتیم داکتر (سنورسینگ) یکی از اولین دگروال در افغانستان بود و او در شفاخانه فکر میکنم چهارصد بستر بود که او به حیث داکتر بود و داکتر اردو بود و در افغانستان قسمی شما سوال کردین ما مردم چی وقت به تنگ امیدیم باد از سال نجیب قدرت از دست داد و باد از او مردم سیک و هندو از افغانستان برآمدن دیگه که کوشش از ما چورک شد

نفر اول: و شما مثلا کدام سال؟

نفر دوم: مه در سال مه ده او وقتا هم بسیار کوشش میکردیم به یم امیدی بودیم شاید افغانستان اوضاعیش تغییر بخوره باز یک حکومت خوب شاید بیایه به مردم شان یک رحم داشته باشد ما در سال 1997 از افغانستان برآمدیم همو وقت جنگ ده هموقت جنگ ما وقت از کابل برآمدیم شما باور کرده میتوانین در کابل از کابل او چی میامد انار انار ده کارتن میامد کارتنای چوبی از او جور میکنن و در او کارتن ترک یا لاری میامد پاکستان میرفت ما در راه اگر طالبم گیر کنه میکشت یا پول میگرفت یا ایکه ماره لچ میکرد همه چیز ما را میگرفت ده او ما مثلی دزد واری اینجه آمدیم مثلا ترک والا لاری والا خبر داشت اورم پول بسیار زیاد دادیم تا از او طریق پاکستان آمدیم.

نفر اول: باز هم وقت هم خانه شما در شوربازار بود یا نی؟

نفر دوم: نی نی در شوربازار یا یک وقت بودیم باز پسان ما طرف تیمنی امدیم

نفر اول: باز همیالی مثلا سیک هندو در افغانستان بسیار کم ماندن؟

نفر دوم: بلی ها بیخی کم مانده 30 یا 40 نفر مانده... اما اینجا بیشتر در لندن المان هند و.. امروز اکثریت هندو در جرمنی است یا المان اس در شهرهای مختلف و به شکل ایطور بگویم همی اکثریت سیک اگر از افغانستان فرار کدن اگر چون اقتصاد شان خوب نبود در هند باقی ماندن و زیادتر شان طرف انگلستان امدن باز بلجیم امدن هالند امدن در اونجه زندگی میکنن.

نفر اول: باز امیالیم فکر میکنم کار بار تجارت تانم؟

نفر دوم: بلی بلی هالی هر افغان سیک یا هندو باشه اگر کسی هایکه فرضا یعنی که عمرشان در سطح چی رسیده یعنی ریتایرمنت رسیده طبعاً او کار نمیکنه اما کسای که کار کرده میتانه همه شان زیادترشان تجارت پیشه دارند و در ضمن در رشته تحصیل ام بسیار ما در افغانستان مه پس میرم به افغانستان که باز شما ما باید بگویم که ما جامعه افغانهای خود ما بسیار داکتر داشتیم دادیم انجینیر دادیم و داکتر حکیم که حکیم که به حساب در او زمان حکیم حکمت بسیار رواج بود او دادیم و بانک قسمی به شما عرض کردم که در بانک سهم داشتیم سیک های ما هندو های ما بانکر بودن یعنی که *they were bankers* *they were on a top class bankers so* مقصد در رشته تجارت طب انجینیری هم ما داشتیم. اولین پیلوت افغان سیک هم داشتیم که او اولین اخرین بود (**کل دیپ سینگ کپور**) یعنی که پیلوت در اریانا هوای شرکت کار میکرد بسیار جالب است ما ایره نشینده بودیم بلی...

در سال های فکر میکنم که 40 سال قبل پیلوت بود 40 سال قبل بلی و برادرش داکتر بود از ای زیاد شما چی توقع کرده میتوانیم و پدرش در بانک کار میکرد... ام... جالب است... او یک پسرخوده پیلوت ساخته بود و یک پسر خوده داکتر

نفر اول: باز همی سیک و هندو از افغانستان مثلا اینجا امدن حالی ام به نظرت همی فرهنگ خوده فرهنگ افغانستان سیک و هندو بسیار کریش میکنند حفظ اش میکنه؟

نفر دوم: بلی بخاطریکه ما همو هر کس باشه اصلا مه ایره باید ایطور بگویم شکل عمومی هر کسیکه باشه هر قوم اقوام باشه کوشش میکنه فرهنگ کلتور خوده حفظ کنه و ما هم حفظ میکنیم و همیشه کوشش داریم که فامیل ما مثلا هر چی که باشه باید به کلتور خود وابسته باشه گرچه ما در انگلستان امدیم در انگلستان ما تشکر میکنیم از او حکومت انگلستان که ماره مثلا در اینجا جای دادن و سویه دادن سویه ایکه *Citizenship* دادن یک سویه است و ماره قبول کردن ما ره تا وقت حمایت کردن که ما پول نداشتیم اجازه کار نداشتیم و وقت که به ما اجازه کار شروع کردیم اینه شما دیدین اینی دکان ما پایین دکان اینجا دیگه شرکت ما است اینی چیزا میبینن کلایش از کمپنی ما اس ای ما مقصد هر سال مثلی یک سرتیفیکت ای چیزا را گرفتیم و تمام مردم سیک و هندو ما اگر در انگلستان امدن یا در هر جای که بود اینا همو به حیث یک باشنده کشور یعنی بسیار اعظیمی خوده کرده در اقتصاد دولت سهم داشته باشد. اگر سهم ما شاید یک چیز ناچیزم است اما باز سهم دارد بلی ما کوشش ما همی اس که ما از دولت چیزی

نگیریم ولی بر بری دولت تکست بتیم و کار میکنیم اولادای کلیش تحصیل یافته است کار میکنه همراهی ما چهار پسر دارم هر چهار ما کار میکنیم و تکست میتیم.

نفر اول: باز همی الی مابین سیک ها بسیار اتفاق است مثلا گدواره است اینجا مندر است از هندوا اینجه الی کتی همی رفیقای مسلمان که داشتین در افغانستان یا کتی ای مردم الی ام افغان دوستی ای چیز دارین؟

نفر دوم: بلی بلی رفاقت دوستی ام داریم خصوصا کس هایکه ما اصلا او ناره از افغانستان میشناختیم چون اعتماد بسیار مهم است در ای روز امروزی ما شناخته نمیتانیم که کی دوست است کی دشمن است سابق هر کس دوست بود افغانستان بنام افغان بود دوست ما بود ما دشمن نداشتیم لیکن هالی امی افغانای ما مجاهدین هستند تروریست استند مسلمانا را میگم سیک نیستن هندو نیستن ایره ما به گرنتی میگویم و چون اعتماد کردن بسیار کسهای بعضی استند ای اس ای استند بعضی هستند که ای اس ای اس هستند همراهی پاکستان اما اعتراف کردن بسیار مشکل است و اونا بسیار ایطور کسای بسیار شریف استند خوب استن مثلی کریم کریم صاحب یا بعضی بسیار مردمای خصوصا پنجشیری بسیار خوب مردم استند یا بعضی بسیار مردمای خوب استند که ما اونا ره میشناسیم و کسای های ره نشناسیم دفعتا دوستی کردن یا راه داد اونا ره به خود مشکل است تا که اعتماد نکنیم.

نفر اول: باز ده همی محفلای دوستای مسلمانا شما اشتراک میکنین؟

نفر دوم: بلی بلی امیالی مه بر شما یک انوایتشن امد شما نشان میتم که ما امیالی هم روابط دوستی دارم هم ایشان و اونا اگر میکنم بر ما ایره در انگلیسی بخوانین شما و تاریخش هم جدید است... ام امی یک عروسی است باز ده همی اشتراک میکنی... اونا هم میان در عروسی در محفلای ما شرکت میکنه ام شرکت میکنه... باز ده مراسم فاتحه چی فاتحه بگویم... بلی فاتحه مسلمانا هم ما میرویم اگر اونا بشناسیم که چی گپ شده ماهم میریم اونا هم میان ای روابط فرهنگی خوده ما کوشش کدیم تا حدی نگاه کنیم و در آینده هم همی کوشش ما داریم.

نفر اول: باز ده مورد آینده الی هم اولاد های شما اینجه مثلا تولد شدن یعنی اینجه کلان شدن اینها تا کدام حد میفهمند که ما از افغانستان استیم ام افغان بودن چی روابط دارن؟

نفر دوم: اولادای ما اگر حقیقت داشته باشه ما بسیار از ایکه ما افغان بودیم فخر دارند افتخار میکنند لیکن چون محیط دگرگون شده و محیط امروزی چون در مکتب که امروزی تحصیل میکنه باز در حساب تجارت کارو بار رفاقت دوستی شان همراهی انگلیس ها و همراهی هندو سیک های انگلیشی اینجه انگلیسی بگویم و هندوهای انگلیسی اس و پاکستانی اس و اونا یک راه علایده بر خود انتخاب کده لیکن نسل سابق که نسل ما است یا بگویم که ای نسل که ما موجود استیم ما همیشه کوشش میکنیم که ای روابط خوده همراهی برادرای افغان های خود تعمیم کنیم همیشه باید ما مستحکم نگاه کنیم ای فرایند خوده ما همیشه جاویدان بسازیم جاویدان نگاه کنیم و کوشش میکنیم لیکن امی چیزیکه بر ما تاثیر کده امی چیز بر تمامی مسلمانای که از افغانستان امی سری از اونا هم تاثیر کده اونا هم اکثریت دوستای شان انگلیس استن یا یگان کسی که در هالند است هالندی اس یا ده جرمنی است نسل ایکه دیگه تغییر میتی تغییر زمان اس.

نفر اول: باز همی بعد از ایکه از افغانستان اینجه آمده بودی دیگه رفته بودی افغانستان یا نی؟

نفر دوم: اه تالی ره مه نرفتم بخاطر ازیکه مه خانه خوده دکان های خوده اموال تجارتي خوده گدام های خوده همتور بسته کده امدیم و خوده نجات دادیم و مه امروز نمیفهم که مه اونجه یعنی که در انگلیسی بگویم Safe استم یا نیستم ایره هیچ کسی گرنتی کرده نمیتانه. حتا مه یک چند بار همتور فکر کدم مه باید ده افغانستان برم یک دفعه همتور خانه های خوده ببینم دکانای خوده ببینم امروز کی است کی نیست کی قابض از اونجه باز خانم مه و فامیل مه میگه پدرجان هر چیزیکه از دست رفت آورد فراموش کو چیزیکه امروز بدست آوردی به ای فکر کو اگر خودت اونجه میری خدانخواستہ سر تو حمله میشه یا تره گروگان میگیره اختطاف میکنه چی بدرد میخوره و مه ای ره مطمئن استم ای کارا هم میشه همراهی افغانا هم شده یکی از دوستای سیک های ما یکی نی بلکه چندین تا خو یکیشہ ذکر میکنم اونجه رفت در خانه خود یک فامیل قمندان مسلمان زندگی میکرد تق تق کرد سلام علیکم مه صاحب خانه استم گفت خانم بود گفت مه خو نمیشناسم تره باز تو شام بیا یا صبح فردا بیا که شوهرم بیایه اوکه فردا آمد شوهرش بود او قمندان بود قمندان مجاهدین همتی مردما اس حالی در افغانستان گفت که مه درخانه که خودت زندگی میکنی خانه مه اس مه از مجبوریت خانه خوده ایلا کدم رفتم و امروز پس امدیم گفت پس که امدی دیگه چی میخوای مه میخوام ده خانه خود بیشنم خی تو که میخوای بیشنی مه یک اطاق بر تو میتم یک اطاق داره یک چند روز باد او گفت مه خانه خوده میفروشم گفت درست اس تو میفروشی تو باید اولین چانس به ما بتی که مه بخرم خانه ره قیمت کو در بازار قیمت کرد خانه سه یا چهار لک دالر قیمت داشت خانیش در کارته پروان خانه ره سراز او فروخت پول ره گرفت امضا کرد کلیشه قواله تیر شد چون پول پیش از ای بود در همینجه زندگی میکرد شو ده خانه امد اوره کشت او ره شو گرفت خانه شم رسمی گرفت ایطور کتیش چیزا شد.

نفر اول: باز ای از کجا رفته بود ای ادم ای سیک؟

نفر دوم: از انگلستان رفته بود بسیار خطرناک بود ایطور کارام میشه دیگه اونجه رفتن هیچ فایده نداره اه اگر روز شوه که ما به حیث توریست بریم در هتل زندگی کنیم چهار اطراف سیل کنیم پس بیایم اگر ایکه به حیث از ای بروم ای خانه از مه بود ای دکان از مه بود حتا مره زنده نمیانند.

باز همومال که داشتین از سیک و هندو بود...؟ کلیش چور شد صایب مردم زور دار بگویم یعنی کسی که بی زور است او سر مال شمدست نمیندازه ای کسای بودن قمندان مجاهدین بودن یا طالب بودن زور دار بودن اونا خانه ره گرفتن اونا زندگی میکنند کسی اوناره گفته نمیتانه خانه مره خالی کو.

نفر اول: باز همتی سوال اخر مه حالی بسیار مردم کم مانده باز همتی مندر و گداوره که است اینالی چی رقم باید حفظ شوه؟

نفر دوم: ما همتی کمیونتی سیک و هندوها همیالی بسیار در همتی فکر اندیشه اس خصوصاً باد از حمله که در شوربازار در کارته پروان گداوره شد یک هزار دو هزار مردم که اونجه بودن اونا میگفتن برو درست اس ده ای گداوره چرایکه مردم خانیش مردم غضب کردن اونا در درمسال زندگی میکردن در مندر زندگی میکردن بخاطر از ایکه یکی ایکه همه شان در یک جم بودن ویکی دیگه خوده میدیدن روز اگر فردا مه ده یک خانه میرم اگر مره کسی بکشه هیچ کسی خبر نمیشه اونجه هستم یا نیستم چون اونا دسته جمعی در یکجا زندگی میکردن ای گداوره مندر محفوظ بود و حالی مه فکر نمیکنم که ای محفوظ بمانه منتها مه از دولت افغانستان مه شخصاً ام از طریق شما درخواست دارم که باید حکومت فعلی یا در آینده هر حکومت که باشه باید ای تاریخ نگاه کنه بخاطریکه تاریخ ثابت میسازه مردم سیک هندو ساکن

افغانستان استند و ما تاریخ داریم و اثری تاریخی که در افغانستان داریم ایناره باید از بین نبره مثلی که در بامیان ما بت بامیان داشتیم که بیشتر از دو هزار سال تاریخ داره طالبای که در سال 90 امده بودن او همراهی بمب او چیزه از بین بردن که ای آثار قدیمه بود ای آثار بود ای به ای از تباط نداره که ای یک کشوری اسلامیت یانی مثلا فکر کنین که 1400 سال پیش مردم اسلام یعنی اسلامیت در افغانستان امد اما هیچ کسی طرف بت بامیان به نگاه بد ندید و اونا نخواستن که ایره از بین ببره و طالبای که امد باد یک دو ماه یا چهار ماه رفتن او ره از بین بردن چقدر بی عقل استند چقدر ادمای استن که هیچ عقل نداره مردم که تمدن پذیر نباشه او اصلا عقل نداره ما و شما مه شخصا خودمه میگم که اگر چهل سال پیش ما تلفون نداشتیم حتا بیست سال پیش تلفون امد مردم نمیفهمیدن یک تلفون مثلی خشت در جیب خود میمانه که امروز در همی یک راپور روزمره در جهان همینجه ثبت است و روزانه ثبت میشه ای تمدن است سانیس است ایره باید قبول کنیم لیکن در اسلام کسای که بی عقل استن کسایکه تمدن پذیر نیستن اکثریت مردم استن در تمام جهان مردم تغییر پذیر استن لیکن مردمای طالب با خصوصا طالب ما امروز بگویم اینا تغییر پذیر نیستن میگه تیلویزیون در افغانستان حرام است مردمه میگه حتا دوره اول طالبای عکاس خانه جای عکس میگرفتن کلیشه از بین بردن مردما ره ده جیل انداختن قید کردن شما عکس گرفته نمیتانین عکس گرفتن حرام است اگر عکس گرفتن حرام است پس چرا طالب با رهبرای طالبای هر روز در ویدیو میایه و چیزیکه به نفع ازوست او حلال اس چیزیکه به نفع طالب نیست حرام اس سیاست اس بلی

بسیار تشکر تشکر از شما به ما وقت دادین ما و شما صحبت کردیم صحبت با شما بسیار شیرین بود و خدا کنه شما چیزیکه میخواستین ثبت کرده باشین.

بسیار زیاد تشکر